



رحیم کارگر

اشاره

در سه بخش قبلی این مقاله، بحث اهتمام به امور مسلمانان را مطرح کردیم و در ذیل عنوان «گونه‌های اهتمام به امور مسلمین» پنج مورد از این گونه‌ها را بیان نمودیم.

اینک، ادامه بحث را پی می‌گیریم.

شش: اصلاح بین مردم و رفع

خصوصتها

خصوصتها و درگیریهای زیادی که معمولاً در خانواده‌ها، محله‌ها، روستاها و شهرها صورت می‌گیرد، یکی از معضلاتی است که گریبانگیر جوامع بشری است و بایسته است به

صورت عاقلانه به این نزاعها پایان داده شود. اصولاً ایجاد صلح و دوستی در میان مسلمانان و اصلاح رفتارهای کینه‌توزانه، مورد تأکید شرع مقدس است و پادشاهی زیادی برای اصلاح کنندگان امور و از بین برندگان اختلافات در نظر گرفته شده است.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾؛^۱ «به درستی که مؤمنان برادران یکدیگرند. پس بین برادرانتان اصلاح نمایید و تقوای الهی

۱. حجرات/۱۰.

می‌توانند نزاعها و دشمنیها را تبدیل به دوستی و صمیمیت کنند و باعث آشتی و صلح میان مردم شوند.

* شهید بهشتی دربارهٔ مرحوم حاج شیخ ابراهیم نجف‌آبادی گفته است:

«[ایشان] عالمی ارزنده و خدوم و مردمی بود... دوستان نجف‌آبادی برای من نقل کردند که: حاج شیخ همیشه در خدمت به مردم آماده بود. گاهی اتفاق می‌افتاد که زن و شوهری شب دعوایشان می‌شد. همهٔ آنها که در منزل بودند حریف نمی‌شدند که دعوا را بخوابانند. بالاخره یک نفر در ساعت دو بعد از نیمهٔ شب می‌آمد در منزل حاج شیخ را می‌زد و می‌گفت: آهای حاج شیخ! ایشان که در خواب بودند، بیدار می‌شدند و می‌آمدند. وقتی می‌گفتند: خانهٔ کربلایی علی بین زن و شوهر دعواست، برویم اینها را آشتی بدهید، ایشان نمی‌گفت: صحیح، بلکه می‌گفت: برویم. لباسش را می‌پوشید و

پیشه کنید، شاید مورد رحمت قرار گیرید.»

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ؛^۱ بهترین صدقات، اصلاح بین [مردم] است.» و در فرازی دیگر می‌فرماید: «مَنْ مَشَى فِي صُلْحِ بَيْنِ اثْنَيْنِ صَلَّى عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَأُعْطِيَ ثَوَابَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛^۲ کسی که برای صلح بین دو نفر می‌رود، فرشته‌های خداوند تا هنگامی که برگردد، بر او صلوات می‌فرستند و ثواب شب قدر به او داده می‌شود.»

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمود: «لَأَنْ أَصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ؛^۳ اینکه بین دو تن صلح ایجاد کنم، نزد من محبوب‌تر است از اینکه دو دینار صدقه بدهم.»

عالمان دین و رفع اختلافات

از دیرباز محضر علما و مبلغان دینی، محل رجوع مردم برای حل اختلاف، نزاعها و کشمکشها بوده است و آنان به اعتبار دانش و شخصیت خود، از تأثیر و نفوذ زیادی در میان مردم برخوردارند. از اینرو، بهتر

۱. الاخلاق، ص ۱۷۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۳۲.

۳. کافی، باب الاصلاح بین الناس، ح ۱.

نمی‌شد؛ اما وقتی به ایشان مراجعه می‌نمودند، معظم‌له با نفوذ کلمه و با مهربانی نزاع و کدورت را تمام می‌کرد و آنان را به برادری و گذشت توصیه می‌نمود. به راستی، او در وصل و پیوند دلها و ایجاد روح اخوت بین مؤمنان، موفق و کم‌نظیر بود.^۲

* در داستانی دربارهٔ آیه الله کوهستانی آمده است: زن و مردی که گویا نسبتی با هم داشتند و در مسئله ارث درگیر بودند، جهت اختلاف نزد آیه الله کوهستانی می‌روند. ایشان پس از چند لحظه که برایشان صحبت کرد و آنان را پند و اندرز داد، آنها تحت تأثیر قرار گرفتند؛ به طوری که یکی از آنها به آقا گفت: آقا جان ما آمدم به زیارت شما و اصلاً اختلافی در ارث نداریم. و [این‌گونه] از عمل خود پشیمان شده بودند.^۳

* مرحوم حاج آخوند، ملاعباس تربتی به هر نوع گرفتاری که مردم داشتند رسیدگی می‌کرد و به درد آنها

می‌آمد وارد خانه می‌شد. با رویی گشاده و خندان می‌گفت: فعلاً چای را درست کنید، ببینم. می‌نشست پای سماور. یک چای خودش می‌خورد، یک چای هم به آنها می‌داد. پس زن و شوهر را با هم آشتی می‌داد، دعوا را تمام می‌کرد و بلند می‌شد، می‌رفت خانه.^۱

* مرحوم آیه الله کوهستانی در مسائل قضایی و حقوقی و ایجاد سازش بین مردم بسیار موفق و دارای نفوذ فوق‌العاده‌ای بود و خانه‌اش مرجع تظلم و پناهگاهی برای مردم بود. در بسیاری از روزها، از گوشه و کنار استان، مؤمنان به منظور رسیدگی به اختلافها و نزاع و شکایتها به حضورش می‌رسیدند و ایشان دشوارترین موارد اختلاف را با قدرت معنوی و موعظه و بیان حکم اسلامی پایان می‌داد.

بیان گرم و پر از مهرش چون آب سرد، آتش دعوا و التهابِ نزاع را خاموش می‌ساخت... کسانی سالیان دراز، شکایتها و پرونده‌های قطوری در دادگستری داشتند و رسیدگی

۱. سیمای فرزندگان، ص ۳۶۸.

۲. بر قله پارسایی، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۱۶۶.

هستند. از اینرو، نیازها و احتیاجات معنوی زیادی دارند و صد البته، کمک و یاری آنها از بدیهی ترین وظایف و مسئولیتهای هموعان، خاصه عالمان و دانشمندان، می باشد.

قرآن کریم به صراحت می فرماید: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛^۱ «بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری و کمک کنید و بر گناه و ستم همکاری نکنید.» امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «اتَّفَقُوا فِي الْمَعْرُوفِ لِإِخْوَانِكُمْ وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ...»^۲ در نیکی رساندن به برادران خود با یکدیگر مسابقه گذارید و اهل نیکی باشید.» و در جای دیگر فرمود: «مَنْ أَعَانَ مُؤْمِنًا نَفَسَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهُ ثَلَاثًا وَسَبْعِينَ كُرْبَةً...»^۳ کسی که مؤمنی را یاری کند، خدای متعال هفتاد و سه گرفتاری را از او بردارد...»^۴

مردمی که از بلاایای طبیعی و

گوش می داد و در راه رفع کدورتها و مخاصمه ها از طریق نصیحت و خیرخواهی... کوشش می کرد و به نحو احسن اختلافها را بر طرف می نمود.^۱

* از شیخ رجبعلی خیاط نقل شده که می گفت: اسم فرزندانم برای سربازی در آمده بود. می خواستم دنبال کار او بروم که زن و مردی برای حل اختلاف نزد من آمدند. من ماندم تا قضیه آن دو را فیصله بدهم. بعد از ظهر فرزندانم آمد و گفت: نزدیک پادگان به سردردی مبتلا شدم که سرم متورم شد. دکتر معاینه کرد و مرا از خدمت معاف دانست. همین که از پادگان بیرون آمدم گویی اثری از ورم و سردرد نبود. شیخ در پایان افزود: ما رفتیم کار مردم را درست کنیم و بین زن و مرد آشتی برقرار سازیم؛ خدا هم کار ما را درست کرد.^۲

هفت: یاری حادثه دیدگان و

مصیبت زدگان

حوادثی مانند: زلزله، سیل، قحط سالی، آتش سوزی و تصادفات همواره جوامع بشری را دستخوش تهدید و فشار قرار داده است و مردم مصیبت دیده و بلاکش از این حوادث، با گرفتاریها و نازاحتیهای مختلفی دست به گریبان

۱. فضیلتهای فراموش شده، ص ۱۰۱.

۲. تندیس اخلاص، ص ۶۸ و ۷۰.

۳. مانده ۳۷.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۸۰، ح ۱۰.

۵. همان، ص ۲۸۶، ح ۳.

مشکلات عدیده جامعه مصیبت دیده‌اند، نیاز به پشتیبانی و دلداری دارند و مبلغان و عالمان دینی به خوبی می‌توانند به یاری و مساعدت آنان بپردازند. علما و مبلغان دینی می‌توانند به حادثه‌زدگان و غمدیدگان دلداری داده، آلام و فشارهای روحی آنان را تسکین دهند و در ارائه خدمات و کمکهای امدادی پیشتاز باشند و توده مردم را برای کمک و تأمین نیازهای اولیه و ضروری مصیبت دیدگان بسیج نمایند و خود در صحنه حادثه حضور داشته باشند و امور شرعی را بر عهده گیرند و بدین وسیله، ضمن ادای وظیفه، بین قلوب الفت برقرار نموده، جایگاه برجسته علمای دینی را در بسیج مردم و امداد رسانی نشان دهند. همدردی و همرنگی علماء در حوادث و مشکلاتی مانند گرانی و قحط سالی، نمایانگر روحیه نوع دوستی آنان در سختیها و مشکلات مردم می‌باشد.

* معروف است که روزی در کربلا آب طغیان کرده بود. بدین جهت، شیخ زین العابدین مازندرانی از شهر بیرون رفت و با عبای خود، شخصاً خاک برمی‌داشت تا جلو آب را بگیرد. مردم چون دیدند که آن روحانی بزرگ دارد برای سدسازی خاک

برداری می‌کند به او تاسی کردند و همگی به پا خاستند و سدی [مستحکم] در برابر آب بستند که تا چند سال باقی بود.^۱

* حاج آخوند ملاعباس تربتی در هنگام قحطی دوران جنگ بین الملل اول و زلزله سال ۱۳۰۱ ش. در خدمت به مردم سر از پای نمی‌شناخت و یک نفره به اندازه یک اداره کار می‌کرد. در زلزله ۱۳۰۱ ش. در تربت حاج آخوند ابتدا مردم را متوجه نمود که نماز زلزله بخوانند و نماز صبح‌شان نیز قضا نشود. آن مرحوم با نماز و دعا موجب آرامش خاطر آنان شد. وقتی خبر رسید که چند روستا به کلی ویران شده است، مرحوم حاج آخوند پیاده به راه افتاد و هنگامی که در خیابان شهر به چند تن از تاجر و کسبه بازار برخورد، گفت: چلووار و متقال و کرباس، هرچه دارید با سدر و کافور برای مردگان و خوراک و پوشاک برای زنده‌ها زود بفرستید. و به چند ده از ده‌های شمال شهر که سالم مانده بودند پیغام فرستاد که هر اندازه ممکن است مردان با بیل و کلنگ، زود خودشان را برسانند....

۱. مرگی در نور، ص ۸۰.

بیست من آرد در خانه داشت و عائله سنگینی هم داشت. به محض اینکه آثار گرانی نمودار شد، مرحوم آقا سید مهدی آن ده - بیست من آرد را فروخت و به مردم داد. وقتی به او گفتند: لازم بود که احتیاط می کردید و حتی مقدار دیگری هم می خریدید، جواب داد، ترسیدم شبیه احتکار داشته باشم، خدا بزرگ است.^۲

* در قحطی دوران جنگ بین الملل اول، با سعی و اهتمام حاج آخوند ملا عباس تربتی، محلی درست شد که در آنجا با انواع حبوبات همچون: گندم، جو، ماش، ارزن و عدس در دیگهای بزرگی آتش می پختند و همه روزه آن مرحوم شخصاً از اول صبح به آن محل می رفت و تا یک ساعت بعد از ظهر مراقب بود تا آشها پخته می شد و مردم ظرف می آوردند و می گرفتند و می رفتند. علاوه بر آن، محلی را نیز معین کردند که فقرا را شبانه روز در آنجا نگهداری می کردند و مردم به آنجا می گفتند: فقیرخانه.^۳

آن مرحوم سه شبانه روز در آنجا ماند و مردم از شهر و روستاهای منطقه به کمک شتافتند... مردم در دسته های مختلف به درآوردن اجساد از زیر آوار، گور کنی، کفن و دفن و غسل اموات پرداختند. حاج آخوند بر همه جنازه ها شخصاً نماز خواند و پس از دفن جنازه ها به بازماندگان شان دلداری داد... و چنان شد که غالباً صاحبان مصیبت همین که می دیدند حاج آخوند تمام کارها را انجام می دهد، نیمی از غمهایشان تخفیف می یافت و با این ترتیب، در مدت سه شبانه روز ۱۰۲۰ جنازه را با آداب شرعی و رعایت همه احتیاطها به خاک سپردند....

گویند که حاج آخوند در آن سه شبانه روز نه غذا خورد و نه خوابید و همه آن فضا از بوی عفونت چنان بود که کسی تاب نمی آورد. به همین جهت، مردم دسته دسته عوض می شدند؛ اما او در تمام این سه شبانه روز، از محل خارج نشد.^۱

* آقا سید مهدی درجه ای در علم و تقوا و امانت سرآمد بود. از جلوه های تقوا و زهد آن بزرگ مرد، این است که در اوایل ایام قحط سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۳۷ ق. که با جنگ بین الملل اول مصادف بود، ده یا

۱. فضیلت های فراموش شده، ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

۲. تاریخ فرزادگان، ص ۳۶۹.

۳. فضیلت های فراموش شده، ص ۱۴۲.